

ای مادر مهربان پدر

سلام بر تو که پیداترین پنهانی.



جام جم آنلاین: سلام بر تو که پیداترین پنهانی. سلام بر تو که باشکوه‌ترین و رازناک‌ترین بانوی عالم هستی. از تو نوشتن ساده نیست، مگر لطف و کرامت تو به واژه‌هایم جرات برخاستن بدهند. واژه‌هایم کم می‌آورند وقتی می‌دانم تمام هستی به خاطر گل روی تو آفریده شده است.

واژه‌های من حقیرند در برابر این که پیامبر آسمانی تو را پاره تن خود می‌داند.

ای مادر مهربان پدر!

وقتی چشم گشودی همه جهان شب بود و در شعب ابی‌طالب. قحطی وجدان بیداد می‌کرد و خشکسالی محبت و عاطفه دل‌ها را تسخیر کرده بود. باغ‌ها از گل خالی بود و دل‌ها از عشق!

پیش از تو هیچ رودخانه‌ای به مقصد نمی‌رسید. هیچ موجی راه ساحل را نمی‌دانست و هیچ نردبانی دلی به آسمان نمی‌رساند و هیچ پلی به ارتباط تن نمی‌داد. شوق از تو گفتن زبان پرنده‌ها را به آوازخوانی باز کرد.

نام زیبا و بلند تو که طلوع کرد، لبخندی زیباتر از بهشت بر چهره شیرین پیامبر (ص) درخشید و «#171زن» معنا گرفت.

ای مادر گل!

روزگاری است که گلدان‌های ما خشکیده است. گل‌های کاغذی و پوشالی رونق‌یافته و در سرآشویی تند زندگی، دوره جاهلیت به شکلی مدرن جریان دارد. عمری است که از استشمام عطر وجود تو و گل‌های محمدی دور افتاده‌ایم.

روز میلادت از خدا بخواه بر شوره‌زار دل‌های بی‌نصیب از عشق بارانی از لطف و مهر خود را ببارد!

تو آمده‌ای و زبان‌ها همه به شعر ختم می‌شود، هرچند دست شعر نیز از دامن محبت تو کوتاه است و الکن، شعرسرایي درباره تو این روزها فراگیر.

من شاعرم و می‌دانم که «#171مادح خورشید مداح خود است» اما دلم با تو همراه است و اشک‌سرایي می‌کند که:

نور دو چشم پدر! آمده هجران به سر

خاک چو یعقوب بود خلقت تو پیرهن

باد تکان می‌دهد بیرق نام تو را

مادر حوا تویی! معنی والای زن

همین!

عبدالرحیم سعیدی‌راد - جام‌جم